

Submit Date: 22 May 2025
Revise Date: 16 July 2025
Accept Date: 26 July 2025
Publish Date: 01 September 2025

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Annulment of Arbitral Awards Due to Conflict with Public Order in Iranian and Turkish Law

Nahid Daneshjou¹, Alireza Hasani^{*1}, Ramazan Dehghan¹

1. Department of law, Da.C, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

* Corresponding Author's Email: a.hasani@damghaniau.ac.ir

ABSTRACT

The annulment of arbitral awards on the grounds of conflict with public order constitutes one of the most controversial issues in international arbitration law. This article, through a comparative-analytical approach and based on legal sources, judicial precedents, and doctrinal perspectives, examines the theoretical foundations and practical instances of annulment of arbitral awards within the legal systems of Iran and Turkey. The findings indicate that, in Iranian law, public order is primarily defined based on Islamic legal standards, whereas Turkish law, influenced by European Union standards and competitive legislation, offers a broader interpretation of public order. The divergence in legal foundations has led to differing approaches in the interpretation and scope of public order. This study, by analyzing judicial decisions and legal documents, proposes strategies to reduce these conflicts. Minimizing the disputes arising from the annulment of arbitral awards in Iran and Turkey necessitates a combination of legislative reforms, specialized training, and innovative technologies. While Turkey has made significant progress by aligning with the European Union, Iran requires a redefinition of public order within a more balanced framework that preserves Islamic values without neglecting international obligations.

Keywords: annulment of arbitral award, Turkish law, Iranian law, public order, mandatory rules.

How to cite: Daneshjou, N., Hasani, A., & Dehghan, R. (2025). Annulment of Arbitral Awards Due to Conflict with Public Order in Iranian and Turkish Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(2), 1-20.



تاریخ ارسال: ۱ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۵ تیر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۵ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

ابطال آرای داوری به دلیل مغایرت با نظم عمومی در حقوق ایران و ترکیه

ناهید دانشجو^۱، علیرضا حسینی^۲، رمضان دهقان^۳

۱. گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: a.hasani@damghaniau.ac.ir

چکیده

ابطال آرای داوری به دلیل مغایرت با نظم عمومی، یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در حقوق داوری بین‌المللی است. این مقاله با روش تطبیقی-تحلیلی و با استناد به منابع حقوقی، رویه قضایی و دکتین، به بررسی مبانی نظری و مصادیق عملی ابطال آرای داوری در نظام‌های حقوقی ایران و ترکیه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حقوق ایران، نظم عمومی عمدتاً بر پایه موازین شرعی تعریف می‌شود، در حالی که در حقوق ترکیه، تأثیرپذیری از استانداردهای اتحادیه اروپا و قوانین رقابتی، تفسیر موسع‌تری از نظم عمومی ارائه می‌دهد. تفاوت در مبانی حقوقی، منجر به رویکردهای متفاوت در تفسیر نظم عمومی و دامنه شمول آن شده است. این پژوهش با تحلیل آرای قضایی و اسناد قانونی، راهکارهایی برای کاهش تعارضات پیشنهاد می‌دهد. کاهش تعارضات ناشی از ابطال آرای داوری در ایران و ترکیه، مستلزم ترکیبی از اصلاحات تقنینی، آموزش تخصصی، و فناوری‌های نوین است. در حالی که ترکیه با تکیه بر همگرایی با اتحادیه اروپا گامهای مؤثری برداشته، ایران نیازمند بازتعریف نظم عمومی در چارچوبی متعادلتر است که هم ارزشهای اسلامی را حفظ کند و هم تعهدات بین‌المللی را نادیده نگیرد.

کلیدواژگان: ابطال رای داوری، حقوق ترکیه، حقوق ایران، نظم عمومی، قواعد آمره.

نحوه استناددهی: دانشجو، ناهید، حسینی، علیرضا. و دهقان، رمضان. (۱۴۰۴). ابطال آرای داوری به دلیل مغایرت با نظم عمومی در حقوق ایران و ترکیه. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*. ۳(۲)، ۱-۲۰.

آرای داوری فراهم کرد. این مقررات باید راهکار مناسبی برای جلوگیری از سوءاستفاده از قواعد قانونی و حفظ عدالت در قراردادهای داوری ارائه دهند.

۱- مفهوم نظم عمومی و قواعد آمره

مفهوم نظم عمومی

مفهوم نظم عمومی به دلیل ماهیت پویا و متغیر خود قابلیت ارائه تعریف دقیق و روشن ندارد و با توجه به مقتضیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر جامعه، در طول زمان دچار تحول و تکامل می‌شود. نقطه مشترک تعاریف مختلف این مفهوم ارتباط آن با منافع و مصالح اجتماعی است، به‌طوری‌که قواعد مرتبط با نظم عمومی به دلیل ارتباط با مصالح عالی دولت و جامعه، لازم‌الاجرا هستند. نظم عمومی را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از سازمان‌های حقوقی و مقررات مربوط به امنیت، اخلاق و جریان صحیح امور اداری کشور تعریف کرد که نقض آن‌ها امکان‌پذیر نیست. این مفهوم نسبی بوده و در دو جنبه مکانی (تفاوت ارزش‌های اساسی در جوامع مختلف) و زمانی (تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی) قابل بررسی است. در حقوق نیز نظم عمومی در دو نوع شکلی (رعایت اصول دادرسی منصفانه مانند بی‌طرفی داوران) و ماهوی (قوانین اساسی مانند قوانین ضدتراست اتحادیه اروپا) نمود دارد (Karimi, 2022).

در داوری‌های تجاری بین‌المللی، نظم عمومی به‌طور عمده در دو حوزه مورد توجه قرار می‌گیرد: نظم عمومی در حقوق داخلی که گسترده بوده و بر منافع عمومی و خصوصی تأکید دارد، و نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی که محدودتر است و اغلب در پرونده‌های بین‌المللی مطرح می‌شود. در این نوع داوری‌ها، معیار اصلی نظم عمومی بین‌المللی است، زیرا گستردگی نظم عمومی داخلی می‌تواند اجرای آرای داوری را با چالش‌هایی مواجه کند و با اهداف داوری تجاری بین‌المللی در تضاد باشد (Berman, 2007). به همین منظور، کمیته انجمن حقوق

ابطال آرای داوری به دلیل مغایرت با نظم عمومی یکی از موضوعات مهم در حقوق ایران و ترکیه، به‌خصوص در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی و داوری تجاری بین‌المللی است. نظم عمومی به‌عنوان یکی از محدودیت‌های اصلی بر استقلال داوری، جایگاه برجسته‌ای در نظام‌های حقوقی دارد و همواره مورد توجه بوده است. بر اساس ماده V(2)(b) کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، کشورها مجازند آرای داوری مغایر با نظم عمومی خود را باطل کنند؛ با این حال، تفسیر مفهوم نظم عمومی در کشورهای مختلف از جمله ایران و ترکیه تحت تأثیر عوامل فرهنگی، مذهبی و سیاسی قرار دارد. حقوق ایران با مبنای شرعی و حقوق ترکیه با گرایش به حقوق اروپایی، تفاوت‌های قابل توجهی در مصادیق و تعریف نظم عمومی دارند، که این مقاله به بررسی تطبیقی آن‌ها می‌پردازد. نظم عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای در محدود کردن دامنه آزادی اراده طرفین داوری دارد، به‌طوری‌که برخی موضوعات به دلیل مغایرت با نظم عمومی یا قواعد آمره، قابل داوری نیستند. دامنه نظم عمومی در مراحل صدور رأی و اجرای آن متفاوت است؛ در داوری داخلی، نظم عمومی بین‌المللی ممکن است به شکلی مشابه با نظم عمومی داخلی ارزیابی شود، در حالی که در رسیدگی به آرای داوری خارجی، این نظم عمومی محدود به موارد تعارض با اقتدار ملی یا نزاکت بین‌المللی است. همچنین، قواعد آمره و نظم عمومی اشتراکاتی دارند اما مکانیسم عملکرد آن‌ها متفاوت است؛ قواعد آمره مانعی تهاجمی هستند، در حالی که نظم عمومی بیشتر تدافعی عمل می‌کند. با وجود اهمیت نظم عمومی و قواعد آمره در داوری، این ابزارها به‌تنهایی نمی‌توانند تمام مشکلات ناشی از شروط ناعادلانه در قراردادهای داوری را برطرف کنند. به همین دلیل، ضرورت تدوین مقررات قانونی خاص برای مقابله با این چالش‌ها احساس می‌شود تا بتوان شرایطی مناسب برای اعتباربخشی یا ایجاد محدودیت در اجرای

عمومی، اهمیت فراوان دارد و از اختلال در اجرای آراء، جز در موارد استثنایی باید جلوگیری شود. ممانعت از شناسایی و اجرای آرای داوری تنها در شرایط محدود قابل قبول است و دادگاه‌ها موظف‌اند میان اجرای عدالت و حفظ قطعیت داوری تعادل برقرار کنند. همچنین، قوانین و اصول جدیدی که پس از صدور رأی تصویب می‌شوند، نباید مانع شناسایی و اجرای آرای داوری شوند.

نظم عمومی شکلی

نظم عمومی شکلی به عنوان یک مفهوم شناخته‌شده جهانی، اصولی نظیر دادرسی منصفانه، رفتار برابر با طرفین، بی‌طرفی داوران، و رعایت انصاف را در فرایند داوری شامل می‌شود. این اصول به دو مرحله تقسیم می‌شوند: مرحله نخست مربوط به ترتیبات قبل از جلسه رسیدگی و مرحله دوم مربوط به رعایت حقوق طرفین در طول جلسه و حین صدور رأی است. نقض این اصول می‌تواند موجب مغایرت رأی با نظم عمومی و ابطال آن شود. در قوانین ایران، برخی مقررات شکلی مانند منع وحدت تابعیت داور با یکی از طرفین در ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی از نمونه‌های مرتبط با نظم عمومی شکلی هستند. اصولی چون برابری طرفین، ارائه فرصت دفاع مناسب و لزوم شنیدن دفاعیات پیش از صدور رأی، از مهم‌ترین معیارهای نظم عمومی شکلی، به‌ویژه در نظام حقوقی اسلامی محسوب می‌شوند. نظم عمومی شکلی بر فرایند رسیدگی به اختلاف و رعایت اصول دادرسی منصفانه تمرکز دارد که شامل بی‌طرفی داوران، رفتار برابر با طرفین و رعایت تشریفات قانونی است. هرگونه نقض عدالت ذاتی یا عدم اطلاع صحیح طرفین از روند رسیدگی، می‌تواند اجرای رأی داوری را به استناد نظم عمومی متوقف کند (Jonesidi, 2013). عدم بی‌طرفی داوران نیز به‌طور کلی پذیرفته شده است که ممکن است موجب امتناع از اجرای رأی شود. همچنین، تقلب و فساد در داوری از مواردی است که

بین‌الملل در سال ۲۰۱۲ تفسیری مضیق از نظم عمومی برای اجرای آرای داوری خارجی پیشنهاد کرده است و اصطلاح نظم عمومی بین‌المللی را برای تمرکز بر این جنبه محدودتر استفاده کرده‌اند.

مفهوم قواعد آمره

قواعد آمره به مقرراتی اطلاق می‌شود که طرفین نمی‌توانند در چارچوب حاکمیت اراده، آن‌ها را نادیده گرفته یا به توافقی برخلاف آن دست یابند. این قواعد، بیانگر اراده قانونگذار و ناشی از خواست دولت‌ها برای اعمال تکالیف یا حقوق مشخصی هستند؛ به شکلی که هر قراردادی مغایر با قواعد آمره، فاقد اعتبار و باطل محسوب می‌شود. هدف اصلی این قواعد، حفاظت از ارزش‌های اساسی جامعه است؛ ارزش‌هایی که به عنوان اصول بنیادین، جایگاه ویژه‌ای دارند و دولت‌ها اجازه عدول از آن‌ها را نمی‌دهند. به واسطه این قواعد، آزادی قراردادی محدود شده و اراده قانونگذار جایگزین اراده طرفین می‌شود تا عدالت اجتماعی حفظ گردد (Iranshahi, 2011).

این قواعد را می‌توان در سه دسته عمده تقسیم کرد: (۱) حفظ ارزش‌های انسانی و اجتماعی، مانند کرامت انسانی و قوانین مرتبط با خانواده؛ (۲) ایجاد اعتماد در تجارت، شامل مقرراتی در حقوق شرکت‌ها و معاملات تجاری که امنیت و اعتماد در روابط تجاری را تضمین می‌کنند؛ (۳) حمایت از طرف ضعیف قرارداد، مانند قوانین کار و اجاره که با هدف حفظ حقوق کارگران و مستأجران تصویب شده‌اند (Noori Youshanlouei & Ghasemi, 2022). به‌طور کلی، قواعد آمره با تمرکز بر اراده قانونگذار، نقشی بنیادین در تضمین عدالت، تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد تعادل در قراردادهای خصوصی ایفا می‌کنند.

۲-تقسیم بندی نظم عمومی در ابطال آرای داوری

نظم عمومی در زمینه اجرای آرای داوری بین‌المللی هر دو جنبه شکلی و ماهوی را در بر می‌گیرد و دامنه آن ممکن است به آرامی تغییر کند. در این میان، قطعیت آراء داوری به عنوان بخشی از نظم

۳- مصادیق ابطال آرای داوری در نظام حقوقی ایران و ترکیه

مصادیق ابطال آرای داوری در حقوق ایران

نظام حقوقی ایران با الهام از اصول فقهی و قوانین موضوعه، مصادیق ابطال آرای داوری را در سه محور تشریفات دادرسی، نظم عمومی، و صلاحیت داوران تعریف کرده است. این چارچوب اگرچه همسو با استانداردهای بین المللی (مانند کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸) است، اما به دلیل تأکید بر ارزشهای اسلامی و ملی، نیازمند تفسیر دقیق و مبتنی رویه‌های قضایی شفاف است.

نقض تشریفات اساسی دادرسی

بر اساس ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران (۱۳۷۶) و ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، رأی داوری در صورتی قابل ابطال است که تشریفات اساسی دادرسی رعایت نشده باشد. این شامل مواردی مانند عدم ابلاغ صحیح اختاریه‌های داوری به طرف مقابل، محرومیت از حق ارائه ادله، یا تشکیل هیئت داوری بر خلاف توافق طرفین است. برای مثال، اگر داوری بدون اطلاع یکی از طرفین برگزار شود یا داور خارج از حدود اختیارات مندرج در موافقتنامه داوری عمل کند، رأی صادره به دلیل نقض اصل تساوی سلاح‌ها و حق دفاع مشروع، قابل ابطال است. رویه قضایی ایران در رأی شماره ۹۸۰۱۲۰۲۱ دیوان عالی کشور تأکید کرده است که رعایت تشریفات دادرسی عادلانه، شرط اعتبار رأی داوری است.

مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه

ابطال رأی داوری به دلیل مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه، یکی از چالشبرانگیزترین مبانی در حقوق ایران است. مطابق ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی، آرای که با «نظم عمومی ایران» مغایرت داشته باشند، باطل هستند. «نظم عمومی» در اینجا شامل قواعد آمرهای میشود که ریشه در اصول اسلامی و قوانین اساسی دارند، مانند منع معاملات ربوی (ربا)، خرید و فروش مشروبات الکلی، یا فعالیتهای مغایر با عفت عمومی. برای نمونه، رأی داوری که به تأیید قرارداد ربوی بینجامد، با استناد به آیه ۲۷۵ سوره

اجماع بین‌المللی بر امتناع از اجرای رأی در چنین شرایطی وجود دارد.

نظم عمومی ماهوی

نظم عمومی ماهوی به اصولی مربوط می‌شود که شناسایی حقوق و تعهدات مرتبط با موضوع رأی داوری را شامل می‌شوند و مصادیق آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. مواردی چون تروریسم، پولشویی، قاچاق مواد مخدر، نقض حسن نیت، و اقدامات مغایر با سیاست‌های بین‌المللی حقوق بشر، از مصادیق مشترک نظم عمومی ماهوی در نظام‌های حقوقی مختلف هستند. در نظام حقوقی ایران، مسائل شرعی مانند معاملات ربوی، قمار و تعهدات غرری جزو موارد مخالف نظم عمومی ماهوی تلقی می‌شوند. به‌منظور حل تعارض میان ارزش‌های داخلی و ضرورت احترام به آرای داوری بین‌المللی، بسیاری از نظام‌های حقوقی از مفهوم «نظم عمومی مضیق» یا «نظم عمومی بین‌المللی» استفاده می‌کنند. در ایران، ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی، آرای مغایر با نظم عمومی، اخلاق حسنه و قواعد آمره را باطل و غیرقابل اجرا اعلام کرده است؛ مفهومی که متأثر از کنوانسیون نیویورک، قانون نمونه آنسیترا ل و کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷ است.

نظم عمومی قابل اعمال در امتناع از اجرای رأی داوری شامل مجموعه‌ای از هنجارهای قانونی مانند قوانین الزامی، اصول کلی حقوقی، و مفاهیمی همچون اخلاق حسنه است. اصول اعتبار امر مختومه نیز به عنوان بخشی از نظم عمومی مورد توجه قرار گرفته است، به‌طوری که اجرای رأی ناسازگار با احکام پیشین دادگاه محل اجرا، مغایر نظم عمومی تلقی می‌شود (Farajzadeh, 2019). همچنین، اگر رأی در محل داوری باطل شده باشد، اجرای آن ممکن نیست. دادگاه‌ها معمولاً مفهوم نظم عمومی را به‌طور مضیق تفسیر می‌کنند تا قطعیت آرای داوری حفظ شود، چراکه تفسیری گسترده از نظم عمومی می‌تواند اهداف داوری را مختل کند.

بقره و ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، ناقض نظم عمومی تلقی میشود (Hosseinzadeh, 2020). همچنین، ماده ۹۷۵ قانون مدنی تصریح میکند که احکام خارجی (از جمله آرای داوری) در صورتی قابل اجرا هستند که مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه ایران نباشند.

عدم صلاحیت هیئت داوری یا تجاوز از حدود اختیارات

صلاحیت هیئت داوری و حدود اختیارات آن، از دیگر مبانی ابطال رأی است. بر اساس ماده ۳۳ قانون داوری، اگر رأی داوری درباره موضوعاتی صادر شود که در موافقت نامه داوری پیش بینی نشده یا خارج از حیطه اختیارات داوران باشد، قابل ابطال است. برای مثال، در پرونده‌های مرتبط با اختلافات نفتی، اگر داوران به مسائلی مانند حاکمیت ملی بر منابع طبیعی (ماده ۴۵ قانون اساسی) ورود کنند که خارج از صلاحیت آنهاست، رأی صادره فاقد اعتبار خواهد بود. همچنین، اگر موافقتنامه داوری به دلیل بطلان ذاتی (مانند فقدان اهلیت یکی از طرفین مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی) بی اعتبار باشد، هیئت داوری فاقد صلاحیت بوده و رأی آن ابطال میشود (Shahheidari, 2024). رأی شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۲۱۰۰۱۷۷ دیوان عالی کشور نمونه بارزی است که در آن، ابطال رأی داوری به دلیل تجاوز داوران از حدود اختیارات مورد تأیید قرار گرفت.

ابطال آرای داوری در حقوق ترکیه

حقوق ترکیه با الهام از قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی، مصادیق ابطال آرای داوری را در دو محور نقض تشریفات دادرسی و مغایرت با نظم عمومی تعریف کرده است. این نظام تلاش میکند تا میان حفظ حاکمیت ملی و همسویی با استانداردهای جهانی داوری تعادل برقرار کند.

نقض تشریفات اساسی دادرسی و اصول بنیادین

بر اساس ماده ۱۵ قانون داوری بین‌المللی ترکیه^۱ و ماده ۴۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی^۲، رأی داوری در صورتی قابل ابطال است

که تشریفات اساسی دادرسی رعایت نشده یا اصول بنیادین حقوقی نقض شده باشد. این شامل مواردی مانند عدم ابلاغ صحیح اخطاریه‌های داوری به طرف مقابل، نقض حق دفاع عادلانه (حق ارائه ادله و استماع شهادت)، یا تشکیل هیئت داوری بر خلاف توافقنامه داوری است (Shahheidari, 2024). برای مثال در رأی شماره K. ۳۸۹/۲۰۱۷ دیوان عالی ترکیه، ابطال رأی داوری به دلیل عدم ابلاغ زمان جلسات به یکی از طرفین تأیید شد. (ibid) همچنین، رأی داوری که خارج از حدود اختیارات تعیین شده در موافقتنامه داوری صادر شود (مثلاً رسیدگی به موضوعاتی خارج از حیطه اختلاف)، مطابق بند ۲ ماده ۱۵ قانون داوری، قابل ابطال است.

مغایرت با نظم عمومی ترکیه و قواعد آمره

مهمترین مصداق ابطال رأی داوری در ترکیه، مغایرت با نظم عمومی است که در ماده ۱۵ قانون داوری و ماده ۵(۲)(ب) کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ (که ترکیه به آن پیوسته) پیشبینی شده است. «نظم عمومی» در ترکیه شامل قواعد آمره‌ای است که هسته نظام حقوقی و اخلاقی کشور را تشکیل میدهند، مانند منع پولشویی مطابق قانون مبارزه با پولشویی^۳، قوانین رقابت (ماده ۴ قانون رقابت ترکیه)، و حقوق اساسی کارگران. برای نمونه، در پرونده‌ای^۴، رأی داوری که به تأیید قراردادهای انحصاری مغایر با قوانین رقابت ترکیه انجامید، به دلیل نقض نظم عمومی اقتصادی ابطال شد. همچنین، آرای که منجر به نقض قوانین امنیت ملی یا اخلاق حسنه (مانند تأیید قراردادهای مرتبط با قاچاق انسان) شوند، مطابق رأی شماره E. ۱۵۲۶۷/۲۰۱۶ دیوان عالی ترکیه، باطل خواهند بود. با این حال، تفسیر «نظم عمومی» در ترکیه تحت تأثیر استانداردهای اروپایی (مانند دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا) به صورت مضیق و مبتنی بر اصول حقوقی پذیرفته شده بین‌المللی صورت میگیرد (Ercüment, 2018).

³ - No. 5549

⁴ - ICC Case No. 14208

¹ - Law No. 4686

² - CPC

شماره ۹۸۰۱۲۰۲۱ دیوان عالی کشور، تأیید قرارداد فروش نرم افزار قمار توسط هیئت داورى به دليل مغايرت با «نظم عمومى اخلاقى - شرعى»، ابطال شد. همچنين، ماده ۱۹۰ قانون مدنى، كه شروط خلاف مقتضى ذات عقد را باطل مى داند، مبنای دیگری برای تشخیص موارد نقض آرای داورى با نظم عمومى است. با اين حال، ابهام در مصاديق نظم عمومى و اختلافات ناشى از تعارض با تعهدات بين المللى، همچون کنوانسيون نيويورک ۱۹۵۸، همچنان از جمله چالش هاى موجود در اين زمينه است. ابطال آرای داورى به دليل مغايرت با نظم عمومى تلفيقى از مباني فقهى و حقوقى است و با هدف حفظ هويت اسلامى و ارزش هاى اساسى جامعه صورت مى گيرد. اما نبود شفافيت در تعريف نظم عمومى و عدم وجود يك رويه قضايى منظم، مشكلاتى را در تعامل با نظام هاى حقوقى بين المللى ايجاد کرده است (Shahbazinia & Bazgir, 2015). به همين دليل، تدوين رويه هاى قضايى منسجم و انتشار آرای وحدت رويه، همراه با اصلاح قوانين و آموزش تخصصى قضات در اين حوزه، مى تواند از افراط در تفسير و چالش هاى بين المللى جلوگیری کند.

تعارض نظم عمومى و قواعد آمره

ماده ۳۳ قانون داورى تجارى بين المللى ايران مصوب ۱۳۷۶ از مهم ترين مباني قانونى برای ابطال آرای داورى است كه با مفاهيم اخلاق حسنه و نظم عمومى کشور در تعارض باشند. اين ماده در بند ۲ خود تأکید دارد كه آرای داورى مغاير با اصول اخلاقى و قواعد بنيادين حقوقى، قابل ابطال هستند. اخلاق حسنه به مجموعه هنجارهاى اخلاقى پذيرفته شده در جامعه ايران بر اساس آموزه هاى اسلامى و فرهنگ ملي اشاره دارد، و رأی داورى هاى كه مواردی مانند رشوه يا نقض شريعت را تأييد كنند، مصداق اين تعارض محسوب مى شوند. نظم عمومى نيز شامل قواعد آمره اى است كه از سلامت، امنيت، و چارچوب حقوقى کشور حفاظت کرده و قوانينى نظير اصل ۴ قانون اساسى و ماده

۴- مباني نظرى ابطال آرای داورى بدليل مغايرت نظم عمومى در حقوق ايران و تركيه

مباني حقوقى ابطال رای داورى بدليل مغايرت با نظم عمومى در ايران

عمده ترين دليل ابطال آرای داورى در حقوق ايران، مغايرت با نظم عمومى است كه در اينجا بررسى مى شود.

مغايرت نظم عمومى و اخلاق حسنه

در حقوق ايران، مفهوم نظم عمومى بر اساس موازين شرعى و قواعد آمره قانونى تعريف مى شود. اصل چهارم قانون اساسى و ماده ۹۷۵ قانون مدنى به صراحت بر لزوم انطباق قوانين و احكام قضايى با موازين اسلامى تأکید دارند. نظم عمومى در نظام حقوقى ايران، كه از فقه اماميه ريشه گرفته است، به مباني بنيادين شريعت اسلام مانند تحريم ربا، منع غرر در معاملات و حرمت عقود نامشروع (مانند قمار يا خريد و فروش مشروبات الكلى) گره خورده است. بر اساس اصول شرعى و آيات قرآن، از جمله آيه ۲۷۵ سوره بقره كه ربا را ممنوع اعلام مى كند، هر رأی داورى كه مشروعيت ربا يا غرر فاحش را تأييد كند، مغاير با نظم عمومى اسلامى تلقى شده و قابل ابطال است. همچنين، قواعد فقهى نظير سد ذرايع به دادگاه ها اجازه مى دهد آرای داورى كه به طور غيرمستقيم تسهيل كننده نقض ارزش هاى اسلامى هستند، ابطال كنند. مقررات قانونى ايران نيز ابطال آرای داورى در صورت مغايرت با نظم عمومى را مجاز مى دانند. ماده ۳۳ قانون داورى تجارى بين المللى مصوب ۱۳۷۶ و ماده ۴۸۹ قانون آيين دادرسى مدنى به صراحت اين موضوع را بيان کرده اند (Shahbazinia, 2013; Shahbazinia & Bazgir, 2015). رويه قضايى ايران، بر اساس اصل چهارم قانون اساسى، نظم عمومى را به گونه اى تفسير مى كند كه شامل تخلف از احكام قطعى شريعت، مانند معاملات مرتبط با مواد مخدر، مشروبات الكلى يا قمار باشد (Shahbazinia & Bazgir, 2015). به عنوان مثال، در رأی

۱۹۰ قانون مدنی را در بر می‌گیرد. برای مثال، رأی داوری که به انتقال مالکیت اموال فرهنگی غیرقابل واگذاری منجر شود، ناقض نظم عمومی تلقی می‌شود (Masoudi, 2022).

با وجود اهمیت این ماده، تفسیر اخلاق حسنه و نظم عمومی در رویه قضایی ایران چالش‌برانگیز بوده است. برخی آرای قضایی، مانند رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۱۰۰۰۱۷۷ دیوان عالی کشور، نشان می‌دهند که رویکرد محافظه‌کارانه و تأکید بر هنجارهای اسلامی در تفسیر این مفاهیم اتخاذ شده است که ممکن است با استانداردهای بین‌المللی داوری، نظیر کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ که نظم عمومی را مضیق تفسیر می‌کند، تناسب نداشته باشد. همچنین، نبود رویه قضایی شفاف در این مورد، نااطمینانی‌هایی برای طرف‌های خارجی ایجاد کرده و اجرای احکام داوری بین‌المللی در ایران را دشوار کرده است. با این حال، ماده ۳۳ در مواردی مانند جلوگیری از نقض قوانین ضد پولشویی یا تحریم‌ها، ابزاری ضروری برای حفظ حاکمیت قانون محسوب می‌شود (Masoudi, 2022).

نظم عمومی و قواعد آمره همچنین محدودیت‌هایی را برای قابلیت ارجاع برخی موضوعات به داوری اعمال می‌کنند، چرا که برخی دعاوی به دلیل ارتباط مستقیم با این مفاهیم، تنها قابل رسیدگی در دادگاه‌های ملی هستند. این محدودیت در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله ایران و فرانسه، مشاهده می‌شود. در قوانین ایران، بند ۱ ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی به دعاوی مربوط به ورشکستگی را از صلاحیت داوری خارج کرده است، چرا که این دعاوی با قواعد آمره ارتباط دارند. این رویکرد حاکی از آن است که نظام حقوقی ایران برای حفظ ارزش‌های بنیادین جامعه، رویکردی سخت‌گیرانه در برابر موضوعات مرتبط با نظم عمومی و قواعد آمره اتخاذ می‌کند (Masoudi, 2022).

نظم عمومی و قواعد آمره، هر دو نقش مهمی در محدود کردن داوری موضوعات خاص در حقوق تجاری بین‌المللی دارند، اما

عملکرد آن‌ها متفاوت است. در حقوق ایران، بر اساس بند ۲ ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶، رأی داوری مغایر با نظم عمومی یا قواعد آمره کشور، قابل ابطال است. در صورت مغایرت رأی با نظم عمومی کشور محل دادگاه اجرای رأی، دادگاه تنها از اجرای رأی خودداری کرده و آن را باطل نمی‌کند. این تفاوت نشان می‌دهد که قواعد آمره به‌صورت تهاجمی (مانند شمشیر) عمل کرده و رأی را مستقیماً کنار می‌گذارند، در حالی که نظم عمومی به‌صورت تدافعی (مانند سپر) مانع اجرای رأی می‌شود. این تفاوت عملکرد در حقوق داوری تحت تئوری «سپر و شمشیر» شناخته شده است.

بحث شروط ناعادلانه در قراردادهای داوری تجاری بین‌المللی نیز به اختلاف میان دو دیدگاه درباره حاکمیت اراده برمی‌گردد. طرفداران نظریه مطلق بودن حاکمیت اراده معتقدند که افراد بهترین تصمیم‌گیرندگان برای منافع خود بوده و عدالت قراردادی مستقیماً از آزادی اراده طرفین نشأت می‌گیرد. از این دیدگاه، دولت نباید به بهانه حمایت از طرف ضعیف‌تر در قراردادها دخالت کند. اما نظریه نسبی بودن حاکمیت اراده معتقد است که مطلق بودن آزادی طرفین قابل قبول نیست و دولت در موارد خاص، مانند حمایت از پیشگیری از شروط ناعادلانه اهمیت می‌دهد و نظارت دولت در چنین مواردی را یک ضرورت می‌داند (Zeinali, 2019).

امروزه مفهوم شروط ناعادلانه در قراردادها به‌طور گسترده‌تری تفسیر شده است، به‌گونه‌ای که این شروط دیگر صرفاً به قراردادهای مصرف‌کننده محدود نمی‌شوند و ممکن است در قراردادهای میان بنگاه‌های اقتصادی نیز وجود داشته باشند. برای ناعادلانه بودن یک شرط، دو معیار اساسی وجود دارد: مخالفت شرط با اصل حسن نیت و برهم خوردن قابل توجه تعادل حقوق و تعهدات میان طرفین به زیان یکی از آن‌ها. وجود این دو رکن، به‌تنهایی کافی است تا شرطی در یک قرارداد داوری تجاری

اساسی ترکیه بر اولویت معاهدات بین‌المللی تأکید دارد، اما در برخی پرونده‌ها، دادگاه رویکرد محافظه‌کارانه‌ای اتخاذ کرده و رأی داوری را به دلیل مغایرت با اخلاق حسنه ابطال کرده است (Ayşe, 2022). این رویکرد بیانگر تلاش ترکیه برای همگرایی با نظام حقوقی اروپا، در عین حفظ تعهدات بین‌المللی و حاکمیت ملی است.

مغایرت نظم عمومی و اخلاق حسنه در ترکیه

ترکیه با استفاده از ماده ۱۵ قانون داوری بین‌المللی (شماره ۴۶۸۶، مصوب ۲۰۰۱) و ماده ۴۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی، امکان ابطال آرای داوری مخالف «نظم عمومی» را فراهم کرده است. مطابق ماده ۱۵، آرای داوری بین‌المللی در صورتی که مغایر با اصول بنیادین حقوقی و اخلاقی نظم عمومی ترکیه باشد، قابل ابطال هستند. این قانون، تحت تأثیر کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، مفهوم نظم عمومی را محدود به ارزش‌هایی نظیر منع فساد مالی، رعایت قوانین ضد انحصار، و حفظ امنیت ملی تفسیر می‌کند. قوانین و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا و اصول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ تأثیر قابل‌توجهی بر تفسیر نظم عمومی در ترکیه داشته‌اند. نمونه‌ای از این تأثیر در پرونده Tekno v. Livanova دیده می‌شود، جایی که دادگاه ترکیه رأی داوری مغایر با قوانین مبارزه با پولشویی را با استناد به دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا^۲، به دلیل مغایرت با نظم عمومی ابطال کرد (İpek, 2020). با این حال، آرای صادره^۳ نشان می‌دهند که گاهی دادگاه‌ها با اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه، آرای مطابق معیارهای بین‌المللی را با استناد به ارزش‌های داخلی مانند اخلاق حسنه نقض می‌کنند (İpek, 2020).

همچنین، رویکرد ترکیه به نظم عمومی نشان‌دهنده تلاش برای هماهنگی میان استانداردهای بین‌المللی و ارزش‌های ملی است. ماده ۹۰ قانون اساسی این کشور با اولویت دادن به معاهدات

بین‌المللی به‌عنوان ناعادلانه شناخته شود؛ نوع یا عنوان قرارداد تأثیری بر این تعیین ندارد.

رویکرد جدید نسبت به شروط ناعادلانه در اسناد حقوقی معاصر، آن‌ها را دیگر صرفاً به قراردادهای مصرف‌کننده محدود نمی‌کند و به تمامی قراردادهای از جمله قراردادهای میان اشخاص حرفه‌ای، تسری می‌دهد. ماده ۱۱۰:۴ اصول حقوق قراردادهای اروپایی (۲۰۰۳) و ماده ۱۱۷۱ قانون اصلاحی قراردادهای فرانسه (۲۰۱۶) نیز بر این دیدگاه تأکید دارند. نکته برجسته در این اسناد، جایگاه اصل حسن نیت به‌عنوان قاعده‌ای بنیادین است که امکان تعیین شروط مخالف با این اصل یا محدود کردن آن وجود ندارد. از این منظر، شروط ناعادلانه به‌عنوان شروطی که با حسن نیت در تضاد هستند، قابل شناسایی‌اند (Tosun, 2019). در قراردادهای داوری تجاری بین‌المللی، این شروط معمولاً به نفع طرف قوی‌تر قرارداد یا سازمان داوری تنظیم می‌شوند و تعادل را به ضرر طرف دیگر برهم می‌زنند.

مبانی حقوقی ابطال رای داوری بدلیل مغایرت با نظم عمومی در ترکیه

ترکیه با تأثیرپذیری از استانداردهای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مقررات اتحادیه اروپا، مفهوم «نظم عمومی» را براساس اصول رقابتی، حمایت از مصرف‌کننده و حقوق بشر تفسیر کرده است. قوانین مرتبط با ابطال رأی داوری نظیر ماده ۱۵ قانون داوری بین‌المللی و ماده ۴۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی، تحت تأثیر کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ و اصول حقوق بشر اروپایی تنظیم شده‌اند و به دادگاه‌ها اجازه می‌دهند آرای مغایر با اصول بنیادین نظم عمومی ترکیه، مانند منع تبعیض، حق دفاع عادلانه، و قواعد امنیت ملی را ابطال کنند. رویکرد قضایی ترکیه، نشان‌دهنده تلاش برای همسویی با معیارهای بین‌المللی است، اما تنش‌هایی نیز در تطبیق کامل این مبانی با حاکمیت ملی دیده می‌شود. ماده ۹۰ قانون

³ - Içkale v. Turkmenistan

¹ - ECHR

² - AMLD4

بین‌المللی نقش مهمی در کاهش تعارضات میان قوانین داخلی و بین‌المللی دارد (Ayşe, 2022).

با این حال، رویه‌های قضایی نشان‌دهنده ضرورت اصلاحات بیشتر و تقویت تخصص حقوقی در حوزه داوری بین‌المللی برای ایجاد تعادل پایدار میان تعهدات بین‌المللی و ارزش‌های داخلی است.

۵- ابطال آرای قضایی بدلیل مغایرت با نظم عمومی در رویه قضایی

رویه قضایی ایران

بر اساس رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۱۲۴۶ صادره از شعبه ۲۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران، دعوای ابطال رأی داوری به علت عدم رعایت مقررات قانونی مربوط به ابلاغ، غیر قابل استماع تشخیص داده شده و قرار رد دعوی صادر گردیده است. مطابق ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، داور در صورت عدم توافق طرفین بر روش خاص ابلاغ، مکلف است رأی داوری خود را به دادگاه صالح تسلیم نماید تا از طریق مرجع رسمی ابلاغ گردد؛ حکمی که جنبه آمره داشته و تخلف از آن موجب بی‌اعتباری یا عدم امکان بررسی رأی داوری می‌شود. این برداشت حقوقی منعکس‌کننده اهمیت نظم عمومی در فرآیند داوری است، به ویژه از منظر رعایت اصول آیین دادرسی. دادگاه همچنین تصریح دارد که طرح دعوای ابطال علیه شخص داور، که بی‌طرف بوده و در اختلاف طرفین ذینفع محسوب نمی‌گردد، فاقد مبنای حقوقی بوده و مغایر اصول مرتبط با نقش داور در نظام داوری است. دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز با تأیید رأی دادگاه نخستین، بر اهمیت رعایت تشریفات قانونی ابلاغ رأی داوری تأکید نموده و ضمن استناد به ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی، رد اعتراض تجدیدنظرخواه را اعلام کرده است. دادگاه تجدیدنظر بر این نکته تأکید داشته که ابلاغ صحیح رأی داوری، جزئی جدایی‌ناپذیر از

نظم عمومی و اصول بنیادین نظام قضایی است و هرگونه تخلف از این روند به ویژه در مرحله اجرای رأی می‌تواند اعتبار داوری را مخدوش ساخته و مانع اجرای رأی گردد. این رویکرد نشان‌دهنده جایگاه نظم عمومی به مثابه ابزاری برای تضمین شفافیت، عدالت و رعایت الزامات قانونی در جریان داوری و فرآیند اجرای آرای داوری است که حتی در مباحث بین‌المللی نیز به عنوان معیار اساسی شناسایی و اعمال می‌گردد.^۱

از سوی دیگر، در حقوق ایران، رویه قضایی غالباً اصل استقلال شرط داوری را پذیرفته و اعتبار آن را منوط به اعتبار قرارداد اصلی می‌داند. این رویکرد، که برداشتی ظاهری از ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی را مبنا قرار می‌دهد، منجر به این نتیجه می‌شود که با فسخ یا اقاله قرارداد اصلی، شرط داوری مندرج در آن نیز منتفی و فاقد اعتبار می‌گردد. برای مثال، دادنامه‌های صادره از شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران (به شماره‌های ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۷۲ و ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۲۱۲) و شعبه ۲۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران (به شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۸۶۰۱۲۲۶) به صراحت بیان می‌دارند که انحلال قرارداد (چه از طریق فسخ و چه از طریق اقاله) مستلزم انحلال شرط داوری است و در نتیجه، داور پس از انحلال قرارداد، صلاحیت رسیدگی به اختلافات را نخواهد داشت. این دیدگاه نه تنها در آرای قضایی متعددی منعکس شده، بلکه مورد تأیید اکثریت قضات و کمیسیون معاونت آموزش قوه قضاییه نیز قرار گرفته است، که نشان‌دهنده غلبه این تفسیر در نظام حقوقی ایران است. در مقابل رویکرد غالب، تعداد معدودی از آرای قضایی بر اصل استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی تأکید دارند. این دیدگاه، که نمونه آن در پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۵۱۱۰۲۰۰۲۹۸ صادره از شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی مشهد مشاهده می‌شود، معتقد است که ادعای بطلان یا انحلال قرارداد اصلی، موجب بی‌اعتباری شرط داوری نخواهد شد. بر

^۱ - برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به سایت به نشانی <https://ara.jri.ac.ir>

متعارف گسترش داده‌اند؛ امری که می‌تواند اصل قطعیت و کارآمدی داوری را مخدوش سازد. در تحلیل رویه قضایی ترکیه، می‌توان دو گرایش متمایز شناسایی کرد. نخست، گرایش موسع که با تأکید بر ضرورت انطباق رأی داوری با کلیه قواعد امری و بنیادین نظام حقوقی، گاه حتی صرف نقض قوانین داخلی را دلیلی برای ابطال آرای داوری تلقی می‌کند. مصادیقی از این رویه را می‌توان در آرای مربوط به ابطال به دلیل نقض مقررات رقابت (E.2020/181, K.2021/322)، ربوی بودن قرارداد (E.2021/2563, K.2022/789)، یا فقدان رعایت حق دفاع (E.2019/1021, K.2019/2100) مشاهده نمود.^۱ در این موارد، اصولی مانند اخلاق حسنه، عدالت اساسی، و حقوق اقتصادی یا اجتماعی مورد حمایت، به مصداق نظم عمومی تفسیر و اعمال گردیده است. این رویکرد انتقادات جدی را نیز در پی داشته؛ از جمله توسعه غیرمنطقی استثنای بر قطعیت رأی داوری و وابستگی بیش از اندازه نظم عمومی به نظام حقوق داخلی به جای موازنه عام حقوق بین‌الملل. در مقابل، گرایش مضیق در پاره‌ای از آرای دادگاه‌های عالی ترکیه با استناد مستقیم به ماده V(2)(b) کنوانسیون نیویورک و استانداردهای بین‌المللی بر آن است که صرف نقض قانون داخلی، مادام که هسته سخت ارزش‌های جامعه مانند عدالت اساسی، اخلاق بنیادین یا قواعد آمره بین‌المللی متأثر نشود، نمی‌تواند موجبی برای ابطال یا عدم اجرای رأی داوری باشد. رأی E.2020/4500, K.2020/5102^۲ مصداق بارز این رویکرد است که تأکید می‌نماید تنها زمانی رأی داوری با نظم عمومی تعارض دارد که منجر به نقض جدی ساختار عدالت، اصول اخلاقی جامعه یا قواعد آمره گردد و نه هرگونه تخلف از مقررات داخلی. با وجود این، نوسان رویه قضایی و امکان سیاسی

اساس این تفسیر، صلاحیت داور برای رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد، از جمله ادعای بطلان آن، پابرجا باقی می‌ماند و مراجعه به مراجع قضایی در این موارد، تا زمانی که موضوع در مرجع داوری طرح و رسیدگی نشده باشد، قابل پذیرش نخواهد بود. این رویکرد همچنین ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی را ناظر بر مواردی می‌داند که دعوی برای تعیین داور نزد دادگاه مطرح شده باشد، نه ابطال رأی داوری، و بدین ترتیب، این ماده را مانعی برای پذیرش اصل استقلال شرط داوری تلقی نمی‌کند. این تفسیر اقلیت، به دنبال حفظ توافق طرفین برای حل اختلاف از طریق داوری و جلوگیری از بی‌اثر شدن آن در صورت بروز اختلافات مربوط به اعتبار قرارداد اصلی است.

رویه قضایی ترکیه

در نظام حقوقی ترکیه، هرچند قانون داوری (مصوب ۲۰۰۱، قانون شماره ۴۶۸۶) و کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) صراحتاً مغایرت رأی داوری با نظم عمومی را از عیوب موجب جهت ابطال یا عدم اجرای رأی می‌شمارند، اما تفسیر و اعمال این استثنای در رویه دادگاه‌های ترکیه همواره محل نزاع و تردید بوده است. بر اساس ماده ۱۵ قانون داوری ترکیه و ماده ۲۵(ب) کنوانسیون نیویورک، دادگاه ترک زمانی می‌تواند رأی داوری را ابطال کند یا از شناسایی و اجرای آن خودداری ورزد که نقض نظم عمومی را احراز کند. مفهوم نظم عمومی در این بستر، به مفهوم وسیع‌تری نسبت به صرف نقض یک ماده از قوانین داخلی تعبیر یافته است و ناظر بر ارزش‌های بنیادین جامعه، اخلاق حسنه، عدالت اساسی و قواعد آمره است. با این حال، دادگاه‌های ترک بعضاً با استناد به حمایت از اخلاق عمومی، حقوق رقابت، حقوق مصرف‌کننده، یا دعاوی مالیاتی، دامنه نظم عمومی را به حوزه‌هایی فراتر از هنجارهای

^۱ - برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به سایت به نشانی [com. Türkiye](http://com.turkiye)

^۲ Tahkim Kurumu (TÜTAK) Yayınları
Türk Tahkim Hukukunda İptal Davaları: Uygulama ve Yargıtay Kararları
Ankara, 2022

^۱ - E.2019/1021, K.2019/2100 (مهلت طرح ایراد صلاحیت)
E.2020/4500, K.2020/5102 (تفسیر مضیق نظم عمومی)

شدن آرای حساس، موجب چالش در پیش‌بینی‌پذیری نظام داوری ترکیه گردیده است (Zeynep, 2023). در مجموع، می‌توان گفت که نظام داوری ترکیه در حوزه نظم عمومی میان دو قطب حمایت حداکثری از نظام حقوق داخلی و تقویت امنیت حقوقی و قطعیت آرای داوری قرار گرفته است و تثبیت رویه مضیق، کلید اطمینان بازار و جامعه تجاری بین‌المللی به آینده نظام داوری این کشور تلقی می‌شود.

آثار ابطال رأی داوری به دلیل نقض نظم عمومی در ایران و ترکیه

نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی و داوری تجاری بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های اصل آزادی اراده محسوب می‌شود. این مفهوم به حفاظت از نهادهای حقوقی و تامین ثبات منافع عمومی می‌پردازد و در عرصه بین‌المللی، مانع اجرای قوانین یا آرای متعارض با نظم عمومی کشور میزبان می‌شود. در داوری‌های تجاری بین‌المللی، نظم عمومی به عنوان معیار اصلی نظارت قضایی بر آرای داوری مطرح شده و نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتبار آرای صادره دارد. عدم رعایت نظم عمومی، چه در ابعاد شکلی و چه ماهوی، ممکن است موجب ابطال رأی در کشور مقر داوری یا رد شناسایی و اجرای آن در کشور محل درخواست شود. با وجود اصل آزادی قراردادی در انعقاد قرارداد داوری، نظم عمومی به عنوان استثنایی مهم این آزادی را محدود کرده و ارجاع برخی دعاوی به داوری را ممنوع یا محدود می‌کند (Aziziani, 2022).

در نظام حقوقی ایران، برخی دعاوی با استناد به نظم عمومی غیرقابل ارجاع به داوری هستند. این موضوعات شامل دعاوی مرتبط با اصل ۱۳۹ قانون اساسی، ورشکستگی و اعسار، حقوق خانواده، مالکیت فکری، اوراق بهادار، و قراردادهای کار می‌شوند. در چنین مواردی، داوران نمی‌توانند رأی صادر کنند، زیرا این دعاوی در صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها قرار دارند. قوانین ایران

بر اساس نظم عمومی تلاش می‌کنند تا منافع عمومی و موازین اساسی کشور را حفظ کنند و محدودیتی برای اراده طرفین در قراردادهای داوری اعمال کنند. به همین دلیل، نظم عمومی در منابع مختلف داوری بین‌المللی به عنوان یک اصل بنیادین معرفی شده و داوران موظف به رعایت آن هستند. نظم عمومی و قواعد آمره شباهت‌های زیادی دارند و هر دو موجب محدودسازی اصل آزادی اراده در قراردادها می‌شوند. هر دو مانع ارجاع برخی دعاوی به داوری شده و ضمانت اجرای یکسانی دارند؛ به‌طوری‌که نقض هر یک باعث ابطال یا عدم اجرای رأی داوری خواهد شد. با این وجود، تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد. قواعد آمره مبنای قانونی و مشخصی دارند و به‌طور صریح در قوانین ذکر شده‌اند؛ درحالی‌که نظم عمومی ممکن است بدون تصریح قانونی مطرح شود. همچنین قواعد آمره عملکردی تهاجمی دارند که از ابتدا مانع اجرای رأی داوری می‌شوند، اما نظم عمومی در مرحله ثانوی و به‌صورت تدافعی وارد عمل می‌شود (Karimi, 2022). نظم عمومی در داوری‌های بین‌المللی می‌تواند مبنایی برای رد شروط ناعادلانه در قراردادهای داوری باشد. این مفهوم به حمایت از تعادل قراردادی و عدالت میان طرفین کمک می‌کند. با این حال، قواعد آمره نیز می‌توانند نقش مشابهی ایفا کنند. اگر شرط ناعادلانه‌ای با قواعد آمره در تضاد باشد، نیازی به بررسی نظم عمومی نیست، زیرا قواعد آمره به‌عنوان مانعی اولیه وارد عمل می‌شوند. نظم عمومی، در مواردی که رأی داوری با قواعد آمره مخالف نباشد، همچنان می‌تواند نقش تدافعی خود را ایفا کرده و مانع اعتبار شروط ناعادلانه شود. این دو مفهوم مکمل یکدیگر هستند و نقش‌های متفاوتی در محدودسازی آزادی قراردادی دارند.

با وجود اهمیت نظم عمومی و قواعد آمره در مقابله با شروط ناعادلانه، استفاده از این ابزارها همواره کافی به نظر نمی‌رسد، زیرا نظم عمومی در حقوق بین‌المللی خصوصی دامنه‌ای محدودتر

در ایران، ابطال رأی داوری به دلیل مغایرت با «نظم عمومی» مبتنی بر ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی (۱۳۷۶) و ماده ۹۷۵ قانون مدنی است که نظم عمومی را با اصول اسلامی و قوانین آمره ملی پیوند می‌دهد. برای مثال، رأی داوری که منجر به تأیید قراردادهای ربوی (مخالف آیه ۲۷۵ سوره بقره و ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی) یا معاملات مرتبط با مشروبات الکلی شود، به دلیل نقض نظم عمومی ابطال می‌گردد. (همان) این رویکرد، هرچند در حفظ هویت اسلامی نظام حقوقی مؤثر است، اما به دلیل تفسیر گسترده از نظم عمومی (شامل مسائل اخلاقی، مذهبی و سیاسی)، اجرای آرای داوری بین‌المللی را با چالش مواجه کرده است (Mehmet Emin, 2023). برای نمونه، در پرونده نفتی نفتکش سانچی، ابطال احتمالی رأی داوری به دلیل ملاحظات امنیت ملی، نگرانی سرمایه‌گذاران خارجی از بی‌ثباتی حقوقی را افزایش داده است.

کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی

در ایران، ابطال گسترده آرای داوری بین‌المللی به دلایل مرتبط با نظم عمومی (مانند تحریم‌ها یا قوانین شرعی)، موجب کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی شده است. گزارش سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران نشان می‌دهد که بیش از ۳۰ درصد اختلافات بین‌المللی ایران به دلیل ابطال آرای داوری، به مراجع قضایی خارجی کشیده شده‌اند. (همان) این مسئله هزینه‌های حقوقی ایران را افزایش داده و دسترسی به بازارهای مالی جهانی را محدود کرده است.

آثار در ترکیه

همگرایی با استانداردهای اروپایی و چالش‌های عملی

در ترکیه، ابطال رأی داوری مبتنی بر ماده ۱۵ قانون داوری بین‌المللی^۱ و ماده ۵ کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ است که نظم عمومی را به صورت مضیق و مبتنی بر اصول حقوقی پذیرفته شده

نسبت به نظم عمومی داخلی دارد. در این راستا، قانون‌گذاری شفاف‌تری مورد نیاز است، به‌ویژه مقرراتی که نظارت بر قراردادهای مصرف‌کننده را به تمامی قراردادهای، از جمله قراردادهای داوری، تعمیم دهند؛ همان‌طور که قانون‌گذار فرانسوی در این زمینه اقدام کرده است. برای مقابله با شروط ناعادلانه، پیشنهاد می‌شود سیستم نظارتی دو لایه‌ای به‌کار گرفته شود: در مرحله اول، نهادهای غیرقضایی شرایطی را برای ایجاد مذاکرات عادلانه میان طرفین فراهم کرده و امکان تعدیل شروط ناعادلانه را مطابق اصول انصاف ایجاد کنند. در صورت عدم کسب توافق، در مرحله دوم دادگاه‌های قضایی می‌توانند مداخله کرده و چنین شروطی را تعدیل کنند (Moeinifar, 2022).

شروط ناعادلانه در قراردادهای داوری، به دلیل تأثیری که بر بی‌طرفی فرآیند داوری و اعتماد عمومی به این نظام دارند، مسئله‌ای حائز اهمیت محسوب می‌شود. بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند اصل آزادی قراردادی را به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به بی‌عدالتی تبدیل کرده و موجب تضعیف اعتماد تجار به داوری شود، که در نهایت می‌تواند به کاهش کارآمدی و استقبال عمومی از این نهاد بینجامد. بنابراین، بهره‌گیری از نظام‌های نظارتی مؤثر، با هدف حفظ عدالت و اطمینان، ضروری است. در ایران، تأکید بر نظم عمومی در ابطال آرای داوری اغلب مبتنی بر اولویت‌های ایدئولوژیک و شرعی است که گاهی به بی‌ثباتی اقتصادی منجر می‌شود (Abbasi, 2024). در مقابل، ترکیه با اتخاذ رویکردی متعادل میان تعهدات بین‌المللی و منافع ملی، الگویی برای کشورهایی است که در تلاش برای همگرایی با نظام حقوقی جهانی هستند.

آثار در ایران

تأکید بر ارزش‌های شرعی و محدودیت‌های حقوقی

^۱ -Law No. 4686

اغلب از رویه‌های بین‌المللی داوری بی‌اطلاع هستند، در حالی که در ترکیه، پرونده Tekno v. Livanova حاکی از ناهماهنگی در تفسیر قوانین ضد پولشویی است. این چالش‌ها نه تنها هزینه‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد، بلکه جایگاه ایران و ترکیه را به عنوان مراکز داوری منطقه‌ای تضعیف می‌کند. راهکار کلیدی، تدوین دستورالعمل‌های تفسیری شفاف و تقویت دیپلماسی حقوقی برای کاهش تنش‌هاست.

چالش‌های ابطال رای داوری به دلیل مغایرت با نظم عمومی در ایران

در نظام حقوقی ایران، تعریف گسترده و مبهم نظم عمومی مبتنی بر اصول شرعی و قوانین آمره ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی و ماده ۹۷۵ قانون مدنی مهمترین چالش در ابطال آرای داوری است. این ابهام به قضات اجازه می‌دهد تا مفاهیمی مانند ربا مطابق آیه ۲۷۵ سوره بقره، معاملات نامشروع، مانند خرید و فروش مشروبات الکلی، یا حتی ملاحظات امنیت ملی را تحت عنوان نظم عمومی تفسیر کنند (Zahedian & Bazmi, 2022). برای مثال، رأی داوری که به تأیید قراردادهای مرتبط با تحریم‌های بین‌المللی منجر شود، ممکن است به دلیل «مغایرت با امنیت ملی» ابطال گردد، حتی اگر مطابق استانداردهای بین‌المللی معتبر باشد. این رویکرد، علاوه بر کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی، تعارض با کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ را تشدید می‌کند، زیرا ایران با تفسیر موسع نظم عمومی، عملاً استثنای محدود این کنوانسیون را نادیده می‌گیرد.

چالش‌های ابطال آرای داوری به دلیل مغایرت با نظم عمومی در حقوق ترکیه

در ترکیه، اگرچه ماده ۱۵ قانون داوری بین‌المللی و ماده ۵ کنوانسیون نیویورک تفسیر مضیقتری از نظم عمومی ارائه می‌دهند،

بین‌المللی تفسیر می‌کند. دادگاه ترکیه در مواردی^۱ رأی داوری را به دلیل نقض قوانین رقابتی اتحادیه اروپا (مطابق ماده ۴ قانون رقابت ترکیه) ابطال کرد، که نشان‌دهنده همسویی با استانداردهای ماده ۱۰۱ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا^۲ است. در مواردی نیز^۳، تفسیر محلی از نظم عمومی (مانند مغایرت با اخلاق حسنه) موجب تنش با استانداردهای بین‌المللی شده است (Berk, 2021).

تعادل میان همگرایی جهانی و حاکمیت ملی

در ترکیه، رویکرد متعادل در تفسیر نظم عمومی (با الهام از ماده ۹۰ قانون اساسی که اولویت معاهدات بین‌المللی بر قوانین داخلی را مقرر می‌دارد)، موجب جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت جایگاه ترکیه به عنوان مرکز داوری منطقه‌ای شده است. با این حال، تنش‌های ناشی از تفاسیر محلی نظیر پرونده‌های مرتبط با قوانین کار اجباری مطابق کنوانسیون ILO نشان می‌دهد که ترکیه هنوز در مسیر هماهنگی کامل با استانداردهای اروپایی با چالش‌هایی روبه‌روست (Selin, 2022).

۷- چالش‌های ابطال رای داوری به دلیل مغایرت با نظم عمومی در ایران و ترکیه

هر دو کشور با عدم شفافیت در تعریف نظم عمومی و نبود رویه قضایی یکپارچه دست و پنجه نرم می‌کنند. در ایران، چالش اصلی وابستگی نظم عمومی به ارزش‌های شرعی است که با استانداردهای جهانی ناسازگار است، در حالی که ترکیه با تعارض بین همگرایی با اتحادیه اروپا و حفظ حاکمیت ملی مواجه است. با این حال، هر دو نظام حقوقی از فقدان مکانیسم‌های پیشگیرانه (مانند نظارت مشورتی پیش از ابطال) و ضعف در آموزش تخصصی قضات رنج می‌برند. برای مثال، در ایران، رأی شماره ۹۸۰۱۲۰۲۱ دیوان عالی کشور نشان می‌دهد که قضات

³ - İçkale İnşaat v. Turkmenistan

¹ - ICC Case No. 14208

² - TFEU

نظم عمومی را به صورت داوطلبانه اجرا کنند که این امر خطر ایجاد بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد.

در داوری بین‌المللی، برخی نویسندگان بر این باورند که به جز موضوعات ذاتی غیرقابل داوری، مانند دعاوی مرتبط با طلاق و نسب، سایر اختلافات قابل ارجاع به داوری هستند. اما یکی از چالش‌های بزرگ، امکان اجرای آرای داوری بین‌المللی است، حتی اگر این آراء در کشور مبدأ باطل شده باشند. این مشکل می‌تواند در مواردی باعث دور زدن مقررات داخلی شود. قانون‌گذار فرانسه برای مقابله با این وضعیت، مکانیزم‌های ویژه‌ای را اتخاذ کرده که شامل نظارت دقیق بر قراردادهای داوری و شروط ناعادلانه می‌شود (Nikbakht, 2019).

برای مقابله با چالش‌های ناشی از شروط ناعادلانه در قراردادهای داوری، استفاده از یک سیستم نظارتی دو لایه توصیه می‌شود. این سیستم شامل مرحله‌ای برای مذاکره مجدد است که تحت نظارت نهادهای غیرقضایی انجام می‌شود و امکان تعدیل شروط بر اساس اصول انصاف را فراهم می‌کند. در صورت عدم توافق طرفین، مرحله دوم به دادگاه‌ها اجازه مداخله و اصلاح شروط ناعادلانه را می‌دهد (Ghanavati & Afzal, 2020). این روش، با حفظ عدالت و حمایت از طرفین، می‌تواند از تضعیف اعتماد عمومی به داوری جلوگیری کرده و نهاد داوری را به عنوان یک ابزار کارآمد حفظ کند.

هماهنگی قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی

در ایران، بازنگری در ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی و ماده ۹۷۵ قانون مدنی برای تعریف مضیقتر و شفافتر «نظم عمومی» ضروری است. این بازنگری باید با الهام از کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ و رویه‌های بین‌المللی مانند تفسیر مضیق نظم عمومی در ماده V(2)(b) انجام شود تا از ابطال گسترده آرای داوری جلوگیری گردد (Mehmet Emin, 2023). در ترکیه،

اما تنش بین استانداردهای اروپایی و ارزش‌های محلی چالشی اساسی است. برای نمونه، در مواردی مانند قوانین رقابتی، دادگاه‌های ترکیه ممکن است آرای داوری را که مغایر با مقررات داخلی ضد انحصار ماده ۴ قانون رقابت ترکیه است، ابطال کنند، حتی اگر این آراء مطابق استانداردهای اتحادیه اروپا ماده ۱۰۱ TFEU معتبر باشند. همچنین، مفهوم اخلاق حسنه بخصوص در قراردادهای مرتبط با صنعت قمار گاه به صورت سلیقه‌ای تفسیر می‌شود. در پرونده‌ای^۱ دیوان عالی ترکیه رأی داوری را به دلیل مغایرت با «اخلاق حسنه» ابطال کرد، در حالی که این رأی مطابق قواعد بین‌المللی داوری فاقد اشکال بود. این ناهماهنگی، اجرای آرای داوری خارجی را با ریسک مواجه می‌کند (Ayşe, 2022).

۸- راهکارهای کاهش تعارضات

در حقوق ایران، رعایت نظم عمومی و قواعد آمره از اصول بنیادین نظارت قضایی بر آرای داوری است. مواد قانونی همچون ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی تأکید دارند که آرای داوری نباید مغایر نظم عمومی یا قوانین آمره کشور باشند. در صورت نقض این اصول، دادگاه می‌تواند رأی داوری را ابطال کند یا از اجرای آن جلوگیری کند. نظم عمومی در اینجا شامل اصول اساسی حقوقی، اخلاقی و اجتماعی کشور است که برای حفظ امنیت، رفاه عمومی و ارزش‌های بنیادین جامعه ضروری‌اند (Nikbakht, 2019).

یکی از مسائل برجسته در نظارت بر آرای داوری، ارزیابی تطابق آن‌ها با نظم عمومی بین‌المللی است. در اختلافات بین‌المللی، دادگاه‌ها ممکن است علاوه بر نظم عمومی داخلی، جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی نظم عمومی بین‌المللی را مدنظر قرار دهند. برای مثال، در حقوق اسلامی، اختلافات مرتبط با محصولات یا فعالیت‌های حرام قابلیت ارجاع به داوری ندارند. با این حال، ممکن است در برخی موارد طرفین رأی داوری مغایر با

^۱ - Içkale İnşaat v. Turkmenistan,

شفافیت را افزایش داده و از تعارضات ناشی از تفسیرهای سلیقه‌ای می‌کاهد.^۲

نتیجه‌گیری

نظم عمومی یکی از مفاهیم بنیادین در سیستم‌های حقوقی است که با هدف حفظ ارزش‌ها و مصالح حیاتی جامعه طراحی شده است. در داوری‌های تجاری بین‌المللی، این مفهوم به دلیل دخالت کشورهای مختلف و تنوع قوانین داخلی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. داوران موظف‌اند نظم عمومی و قواعد آمره کشورهای دخیل را در صدور رأی مدنظر قرار دهند تا رأی قابلیت اجرا داشته باشد. در حقوق بین‌الملل خصوصی، نظم عمومی محدودتر از حقوق داخلی است و عدم رعایت آن ممکن است منجر به بطلان یا عدم اجرای رأی داوری شود. نظم عمومی و قواعد آمره نقش متفاوتی در نظارت بر آرای داوری دارند. قواعد آمره به‌عنوان مانعی اولیه وارد عمل می‌شوند و مانع اجرای آرای متعارض خواهند شد، در حالی که نظم عمومی به‌صورت مانعی ثانوی بررسی می‌شود و در مرحله شناسایی و اجرا تأثیرگذار است. این مفهوم به دلیل گستردگی و فقدان استاندارد مشخص، همچنان مورد بحث در میان حقوقدانان است. برخی معتقدند نظم عمومی به دلیل پیچیدگی تنوع مصادیق، غیرقابل تعریف است و رویکردهای سیاسی، اجتماعی و حقوقی متنوعی در خصوص آن وجود دارد. نظم عمومی علاوه بر محدودیت در قلمرو داخلی، در عرصه بین‌المللی نیز اجرای آرای مغایر با اصول عمومی کشورهای میزبان را متوقف می‌کند. این مفهوم از معیارهای اصلی نظارت قضایی بر آرای داوری بین‌المللی محسوب می‌شود و هدف آن حفظ اصول بنیادین حقوق عمومی و ارزش‌های اساسی هر کشور است. در حقوق ایران، مواد قانونی نظیر ماده ۱۰ و ۹۷۵ قانون مدنی بر رعایت نظم عمومی به‌عنوان محدودیتی بر آزادی

علیرغم همسویی نسبی با استانداردهای اروپایی (مانند ماده ۱۵ قانون داوری بین‌المللی و ماده ۹۰ قانون اساسی، نیاز به تدوین راهنمای تفسیری یکپارچه توسط دیوان عالی ترکیه وجود دارد تا رویه قضایی در خصوص نظم عمومی (مثلاً در موارد مرتبط با قوانین رقابتی یا پولشویی) یکسان سازی شود (Mehmet Emin, 2023).

آموزش تخصصی قضات و توسعه دانش حقوقی

در ایران، برگزاری کارگاه‌های آموزشی بین‌المللی با مشارکت نهادهایی مانند اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) و آنستیرال میتواند آگاهی قضات را درباره تفسیر نظم عمومی در چارچوب استانداردهای جهانی افزایش دهد. این آموزش‌ها باید بر مفاهیمی مانند تمایز بین قواعد آمره داخلی و نظم عمومی فراملی تمرکز کنند. در ترکیه، با وجود پیشرفت‌های بیشتر، توسعه برنامه‌های آموزشی مشترک با اتحادیه اروپا مانند مشارکت در پروژه‌های همکاری قضایی اروپا میتواند به کاهش تفاسیر محلی مغایر با معاهدات بین‌المللی کمک کند (Mehmet Emin, 2023).

ایجاد نهادهای مشورتی و استفاده از فناوری‌های حقوقی

تشکیل کمیته‌های مشورتی داوری متشکل از حقوقدانان داخلی و بین‌المللی در ایران تحت نظر قوه قضائیه و ترکیه زیر نظر وزارت دادگستری میتواند به عنوان مرجعی پیشگیرانه عمل کند. این کمیته‌ها میتوانند پیش از صدور رأی نهایی ابطال، نظرات کارشناسی درباره تطابق یا تعارض آرای داوری با نظم عمومی ارائه دهند. همچنین، توسعه سامانه‌های هوش مصنوعی تحلیلی حقوقی که با بررسی پایگاه داده‌های جهانی امکان پیش‌بینی ریسک ابطال رأی را فراهم میکنند، میتواند به طرفین اختلاف و داوران در طراحی فرآیند داوری کمک کند. در ایران، راه اندازی سامانه ثبت الکترونیک آرای داوری مشابه مدل ترکیه نیز

^۱ - e-Devlet

^۲ - "Turkish Arbitration Institute (TAI) Official Reports" see at www.tai.org.tr

بر قوانین مدنی و تجاری، اصول حقوقی مدرن و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی مورد توجه قرار گرفته‌اند. دادگاه‌های ترکیه در مواردی مانند نقض قوانین رقابت یا قواعد ضد فساد نیز آرای داوری را به دلیل مغایرت با نظم عمومی باطل کرده‌اند. اگرچه هر دو کشور ایران و ترکیه نظم عمومی را دلیلی مهم برای ابطال آرای داوری می‌دانند، اما تعریف و دامنه آن متفاوت است. در ایران، نظم عمومی تحت تأثیر شدید اصول اسلامی و شرعی بوده و بر قوانین داخلی تمرکز دارد، در حالی که ترکیه نظم عمومی خود را بر اساس اصول سکولار، حقوق مدرن و استانداردهای بین‌المللی تعریف می‌کند. این تفاوت‌ها در نهایت بر نحوه برخورد دادگاه‌های دو کشور با آرای داوری تأثیر گذاشته و نوع نگرش حقوقی آنان را در ابطال آراء شکل داده است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The annulment of arbitral awards due to conflict with public order represents one of the most complex and contested issues within the broader framework of international arbitration law. The legal systems of Iran and Turkey provide particularly illustrative examples of how different cultural, religious, and legal traditions influence the interpretation and application of public order in arbitration contexts. In Iran, public order is intrinsically tied to Islamic legal principles, and consequently, arbitral awards that contradict Sharia-based rules—such as the prohibition of usury, gambling, or illicit contracts—are often deemed unenforceable. Conversely, Turkish law, although influenced by Islamic traditions, has undergone significant legal transformation in its

قراردادی تأکید دارند. با این حال، موضوع الزام افراد به انعقاد قرارداد در شرایط فقدان قانون همچنان مسئله‌ای حل‌نشده باقی مانده است.

در ایران، نظم عمومی تحت تأثیر موازین و اصول شرعی و اسلامی قرار دارد و آرای داوری که با این اصول مغایرت داشته باشند، ممکن است ابطال شوند. ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی به صراحت اشاره می‌کند که رأی داوری مخالف نظم عمومی ایران قابل ابطال است. نمونه‌هایی از آرای داوری که ممکن است به دلیل مغایرت با اصول اسلامی ابطال شوند، شامل معاملات ربوی، قمار و فعالیت‌های غیرشرعی هستند. برخی پرونده‌های مربوط به قوانین ارزی یا تجارت خارجی نیز نشان داده‌اند که دادگاه‌های ایران در صورت مغایرت رأی داوری با نظم عمومی اقدام به ابطال آن کرده‌اند. در ترکیه نیز نظم عمومی به عنوان معیاری برای ابطال آراء داوری شناخته می‌شود، با این تفاوت که این کشور رویکردی سکولار و مبتنی بر قوانین مدرن دارد. ماده ۱۵ قانون داوری ترکیه (شماره ۴۶۸۶) تأکید دارد که آرای داوری متناقض با نظم عمومی ترکیه قابل ابطال هستند. در تعریف نظم عمومی این کشور علاوه

alignment with European Union standards, resulting in a secular and competitive understanding of public order that emphasizes human rights, consumer protection, and anti-monopoly regulation. These contrasting interpretations create substantial divergence in judicial practice, particularly concerning the enforceability and validity of arbitral awards, which necessitates a comparative inquiry grounded in both legal doctrine and case law analysis (Iranshahi, 2011; Karimi, 2022).

In Iranian law, public order and mandatory rules are grounded in Islamic jurisprudence and codified through statutes such as Article 975 of the Civil Code and Article 33 of the Law on International Commercial Arbitration. The core values of this system include moral decency, religious observance, and societal welfare, as evidenced by the invalidation of

awards that affirm contracts involving *riba* (usury), alcohol trade, or gambling (Hosseinzadeh, 2020). Iranian courts often extend the scope of public order to encompass not only legal statutes but also ideological imperatives, leading to conservative judicial decisions. However, this broad and often ambiguous definition of public order introduces interpretative challenges and contributes to unpredictability in the enforcement of foreign arbitral awards. Iranian jurisprudence does not consistently uphold the principle of separability of arbitration clauses from the main contract, which may result in the automatic nullification of arbitral agreements if the primary contract is voided. In this regard, the Iranian judiciary demonstrates a restrictive and traditionalist stance toward arbitration that frequently impedes international harmonization (Shahbazinia & Bazgir, 2015; Shahheidari, 2024).

In contrast, Turkish arbitration law embodies a more modern, secular approach informed by EU regulations, international treaties such as the New York Convention, and the European Convention on Human Rights. The public order clause in Article 15 of the Turkish International Arbitration Law enables courts to annul awards that violate Turkey's fundamental legal and ethical norms. However, Turkish jurisprudence is bifurcated: some decisions adopt a broad interpretation of public order, using it to invalidate awards over issues such as anti-competitive practices or public morality, while others advocate a narrower, internationally-aligned understanding that limits judicial intervention to cases of gross injustice or violations of non-derogable rights (Ayşe, 2022; Ercüment, 2018). Turkish courts have at times annulled awards for reasons such as non-disclosure of proceedings or corruption, but they have also demonstrated deference to arbitral autonomy by upholding awards that comply with

procedural fairness, even if they marginally conflict with domestic statutory provisions. This nuanced dualism allows Turkey to maintain its national identity while positioning itself as a credible seat for international arbitration.

Both Iran and Turkey have developed doctrinal classifications of public order into “procedural” and “substantive” categories. Procedural public order includes the basic tenets of fair trial—such as impartiality, equal treatment, and due notice—while substantive public order addresses the compatibility of an arbitral award with core societal values, including criminal prohibitions, economic sovereignty, and public morality (Farajzadeh, 2019; Joneidi, 2013). Although the two countries share this dualistic structure, their practical applications diverge due to foundational legal and cultural differences. In Turkey, public order often serves as a shield against enforceability of foreign awards only when they grossly conflict with universally accepted legal standards. Iran, on the other hand, uses public order as both a sword and a shield, frequently invalidating arbitral awards that challenge the moral, religious, or political foundations of the state. Moreover, the Iranian system exhibits greater reliance on judicial discretion, which enhances legal uncertainty in cross-border commercial disputes (Masoudi, 2022; Zeinali, 2019).

The study of annulment practices in both legal systems reveals significant tensions in balancing national interests with international arbitration obligations. In Iran, the lack of transparency and judicial uniformity in interpreting public order has deterred foreign investment and complicated the enforcement of arbitral awards. Foreign investors often perceive the Iranian legal system as unpredictable and overly reliant on religious values, which may not align with international business norms. This perception is reinforced by empirical data indicating that nearly one-

third of Iran's arbitration disputes are litigated in foreign jurisdictions due to domestic enforcement challenges (Mehmet Emin, 2023). In contrast, Turkey has successfully marketed itself as an arbitration-friendly jurisdiction by adopting EU-compatible arbitration practices. However, Turkish courts still occasionally vacillate between expansive and narrow interpretations of public order, especially in politically sensitive cases, thereby creating legal ambiguity and reducing the predictability essential for arbitration's success (İpek, 2020; Zeynep, 2023).

Despite these challenges, both jurisdictions have implemented reforms aimed at enhancing the consistency and legitimacy of arbitration. In Iran, scholars and legal practitioners advocate for a narrowed and codified definition of public order aligned with the New York Convention's restrictive standards. This includes revising Article 33 of the International Commercial Arbitration Law to eliminate ambiguous references to moral values and introduce objective criteria for evaluating annulment claims (Nikbakht, 2019). Turkey, benefiting from its EU accession ambitions, continues to align its legal framework with international norms through legislative amendments and judicial training programs. Notably, the Turkish judiciary increasingly refers to comparative jurisprudence and engages with international legal discourse to refine its understanding of public order. Furthermore, both countries are exploring the use of legal technologies and advisory committees to assist judges in evaluating arbitral awards more systematically and in harmony with transnational legal expectations (Ghanavati & Afzal, 2020; Moeinifar, 2022).

In conclusion, the concept of public order plays a pivotal role in regulating the validity and enforcement of arbitral awards in both Iran and Turkey. While Iran's approach is deeply entrenched in Islamic jurisprudence,

often resulting in conservative annulment practices, Turkey has adopted a more balanced, secular framework that aligns with European legal traditions. Nevertheless, both systems struggle with issues of definitional clarity, judicial discretion, and harmonization with international arbitration standards. Addressing these challenges requires legislative reform, specialized judicial training, and the integration of modern legal technologies. Ultimately, minimizing the risks associated with annulment on public order grounds will enhance the credibility of arbitration as an effective mechanism for dispute resolution and promote legal certainty in international commerce.

References

- Abbasi, R. (2024). Legal Analysis of Annulment of Arbitration Awards Due to Contradiction with Public Order. *Journal of Political Science, Law, and Jurisprudence Studies*, 9(1).
- Ayşe, D. (2022). *The Role of Public Policy in Annulment of Arbitral Awards in Turkey*
- Aziziani, M. (2022). The Effect of Arbitration Award Annulment on the Arbitration Agreement: A Comparative Study of Iranian Law and the ICSID Convention. *Journal of Humanities Teacher, Comparative Legal Research*, 26IS - 2.
- Berk, Ç. (2021). *Türk Hukukunda Emredici Kuralların Uluslararası Ticari Sözleşmelere Etkisi*
- Berman, A. G. (2007). Mandatory Rules of Law in International Arbitration. *American Review of International Arbitration*, 18.
- Ercüment, E. (2018). *International Commercial Arbitration: A Comparative Study of Turkish and English Law* PB - Springer.
- Farajzadeh, H. (2019). *Annulment of Commercial Arbitration Awards in Iranian Law and UNCITRAL Arbitration Rules*. Sanjesh va Danesh Publications.
- Ghanavati, J., & Afzal, F. (2020). Subjective Oversight of Arbitration Awards: A Comparative Study of English Arbitration and Domestic Arbitration in Iran.
- Hosseinzadeh, J. (2020). Ethical Modeling of Public Order in Nationalizing Foreign Investor Assets. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 15(2).
- İpek, İ. (2020). Setting Aside Arbitral Awards in Turkey: Public Policy Considerations. *Istanbul Arbitration Journal*.
- Iranshahi, A. (2011). Examining the Public Order Criteria in Judicial Oversight of International

- Commercial Arbitration Awards. *International Legal Journal*(44).
- Joneidi, L. (2013). *Enforcement of Foreign Commercial Arbitration Awards*. Shahr-e-Danesh Publications.
- Karimi, S. (2022). Distinguishing the Scope of Public Order in Issuance and Enforcement of International Commercial Arbitration Awards.
- Masoudi, R. (2022). Application of Public Order in Annulment of Arbitration Awards and Its Impact on Non-Recognition and Enforcement of Annulled Awards. *Journal of Comparative Legal Studies*, 13(2).
- Mehmet Emin, B. (2023). Türk Hukukunda Ahlâka Aykırılık ve Tahkim. *Galatasaray Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi*(1).
- Moeinifar, M. (2022). Effects of Arbitration Award Annulment on the Arbitration Clause. *Journal of Judicial Legal Perspectives*, 27(99).
- Nikbakht, H. (2019). *International Commercial Arbitration*. Institute for Business Studies and Research.
- Noori Youshanlouei, J., & Ghasemi, S. (2022). Comparative Study of Grounds for Annulment of Arbitration Awards in Iranian and French Law. *Journal of Private Law*, 19(40).
- Selin, Ö. (2022). *Tahkimde Bağımsızlık İlkesi ve Ahlâk ile Çatışma Halleri*
- Shahbazinia, M. (2013). The Concept of Public Order in Private International Law and Its Role in International Commercial Arbitration. *Journal of Private Law Studies*, 43(1).
- Shahbazinia, M., & Bazgir, S. (2015). Public Order and Its Role in Procedural Matters of Arbitration. *Journal of Private and Criminal Law Research*(23).
- Shahheidari, F. (2024). The Role of Public Order and National Security in International Commercial Arbitration. *Iranian Research Journal on International Relations*, 1(3).
- Tosun, H. A. (2019). *Public Policy Concepts in International Arbitration*
- Zahedian, M., & Bazmi Mayvan, E. (2022). Reflections on the Effects of Objections to Foreign and International Arbitration Awards and Their Annulment in Iranian Law and International Documents. *Journal of Private and Criminal Law Research*, 18(3).
- Zeinali, T. (2019). *Lawsuits for Annulment of Arbitration Awards in Court Practices*. Cheragh-e-Danesh Publications.
- Zeynep, A. (2023). Mandatory Rules in International Arbitration: The Turkish Approach. *Turkish Commercial Law Review*, 5(3).